

## زنان روستایی پنهان شدگان توسعه

«مطالعه موردی روستای جمسی شهرستان داراب»

### چکیده

دست یابی به هرگونه توسعه در هر سطحی در گرو نظارت و توجه بیشتر به زنان در جوامع روستایی است. به عبارت دیگر، این گونه می توان استدلال کرد که توسعه ی ملی مترادف با قرار دادن زنان در فرایند توسعه ی روستایی است. از آن جا که تحول موقعیت زنان خود به عنوان عامل کلیدی در اصلاح بسیاری از شاخص های توسعه ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، بنابراین توجه به آنها و اهمیت دادن به نقش آنها به همان اندازه اهمیت دارد که برای توسعه ی جامعه یا به عبارتی توسعه ی ملی مهم است. از طرف دیگر نقش زنان در ایجاد فرصت های در آمدزا انکارناپذیر است، زیرا ثابت کرده اند که می توانند به نوعی نقش عمده ای در اقتصاد خانوار داشته باشند.

کلید واژه ها: زنان روستایی، توسعه، نقش، روستای جمسی، داراب.

## مقدمه

بنا بر باور بسیاری از صاحب نظران، انسان محور توسعه پایدار<sup>۱</sup> است و جامعه ای می تواند زنگ توسعه را به صدا در آورد که همه ی اقشار و افراد آن ظرفیت توسعه پذیری را داشته باشند و راه ها و روش های مناسب برای حصول توسعه ی پایدار را بیابند. بنابراین تا زمانی که زنان روستایی کشورمان به عنوان نیمی از نیروی انسانی در روند توسعه ی شرکت داده نشوند، تحقق وعده ها و اهداف توسعه ی روستایی<sup>۲</sup>، آرزویی محال به نظر می رسد.

بررسی نقش زنان روستایی در توسعه ی نشان می دهد که زنان روستایی ایران در گذشته و حال با انجام فعالیت های مختلف اداری، صنعتی، کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و سایر صنایع روستایی و انجام وظایف خانه داری، نقش عمده ای در اقتصاد خانوار به عهده داشته اند. در این مقاله با ذکر شواهد به علاقه ی فطری، توجه ذاتی زنان بخصوص زنان روستایی برای شرکت در فعالیت های تولیدی و خدماتی اشاره شده است. در هر حال نقش زنان در ایجاد فرصت های در آمدزا انکار ناپذیر است زیرا آنها می توانند با ارتقای سطح توانمندی هایشان نوعی بهزیستی را برای اعضاء و خانواده خود به ارمغان آورند (آلستون، ۱۹۹۵، ۵۲۱). از طرف دیگر توسعه ی روستایی بر اساس رشد برابر و متعادل، مستلزم گنجانیدن کامل زنان در فرایند توسعه از جمله دسترسی یکسان به زمین، آب، منابع طبیعی، نهادها، خدمات و ایجاد فرصت های شغلی مساوی برای آنها جهت توسعه و کاربرد مهارت های خود است. در خلال دهه ای که تحت نام دهه ویژه زنان از سوی سازمان ملل اعلام گردید، دو هدف عمده در زمینه ی خط مشی های مختص برنامه ی زنان در توسعه اعلام گردید:

- 1.Sustainable development
- 2.Rural development

## الف: افزایش سطح رفاه زنان.

ب: تجهیز و آماده سازی نیروی کار و منابع انسانی بکر بهره برداری نشده برای ورود به عرصه ی توسعه ی ملی

در منابع دیگر درباره ی لزوم ایجاد برنامه ریزی و بهبود وضعیت زنان، راهبردهای گوناگونی مطرح شده است، از جمله رویکرد رفاه که بر مسئولیت های خانه داری زنان و ایجاد فرصت های در آمد زای خانگی برای آنان تاکید می کند تا آنها بتوانند برای ارتقای سطح توانمندی هایشان، گامی سریع به اهداف مورد نظر خود بردارند (دیسران، ۱۹۹، ۲۱). راهبرد دیگری که مطرح شده است به برابری حقوق زنان و مردان اصرار می ورزد و حول محور افزایش سطح میزان بهره وری کار زنان و مشارکت مستقیم آنان در بازار کار دور می زند. گرایش های عمده در این رویکرد، تامین برنامه های پرورشی و آموزشی حرفه ای برای ارائه مهارت های مورد نیاز بازار به زنان روستایی است تا آنان را قادر سازد در بازار کار با مردان به رقابت برخیزند. این راهبرد، بر تامین فرصت های بیشتر برای آنان جهت مطرح ساختن خود به عنوان نماینده ی سیاسی زنان تاکید می ورزد (ساچز، ۱۹۹۱، ۴۹). رویکرد دیگر که به نظر می رسد از راهبردهای فوق مهم تر است، بر فقر زدایی تکیه می کند و لزوم افزایش سطح درآمد زنان روستایی را مد نظر قرار می دهد و زنان را به عنوان بهره بردار و دومین تولید کننده ی درآمد نقدی خانوار به حساب می آورد. این راهبرد در بیشتر کشورها از سوی زنان و محرومان روستایی با استقبال روبه رو شده است. در قسمت دیگر این راهبرد آمده است، مشارکت زنان در امر کشاورزی چشم گیر است و نقش به سزایی در توسعه ی اقتصادی دارند و نتایج تحقیقات نشان می دهد که مشارکت زنان در مناطق روستایی بیشتر از مردان بوده است (جورد میچالز، ۱۹۹۱، ۹۱).

## ۱- نکاتی راجع به تحقیق

## ۱-۱- انگیزه تحقیق

شهرستان داراب یکی از مناطقی است که نقاط روستایی بسیار زیادی دارد. حتی تنها نقطه ی شهری شهرستان هنوز هم جلوه ای از یک بافت روستایی به نمایش می گذارد. این منطقه از گذشته های دور با توجه به شرایط طبیعی مناسب همچون اقلیم، خاک های رسوبی تکامل یافته، آب و غیره مهبای فعالیت های کشاورزی بوده که در این میان زنان روستایی همراه و همگام با مردان به کار بر روی مزرعه می پردازند ولی تاکنون توجهی به نحوه ی همکاری آنها از نظر اجتماعی و اقتصادی نشده و حقوق واقعی و جایگاه آنها از نظر برنامه ریزان منطقه و دستگاه های ذی ربط مد نظر قرار نگرفته است. در این مقاله سعی می شود تصویر کلانی از نقش زنان در توسعه ی روستایی و موقعیت اصلی<sup>۱</sup> آنها از لحاظ مشارکت در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی ارائه شود و در نهایت به فرصت ها و محدودیت ها و باید های لازم جهت ارتقای نقش آنها در فرایند توسعه ی روستایی اشاره شود: اگر از جنبه ی اقتصادی، تولید، پتانسیل ها و نقش زنان روستایی اشاره شود، کافی است بدانیم کل روستاهای منطقه ۵۷۱ آبادی است و ۲۹۷ روستای آن مسکونی است، شهرستان ۱۰۷۰۰۰ هکتار اراضی قابل کشت دارد و از کل جمعیت روستایی منطقه حدود ۵۰ درصد آنها را زنان تشکیل می دهند که اکثریت آنها در گروه جمعیتی فعال جای می گیرند و ۷۵ درصد آنها در بخش کشاورزی و زیر مجموعه های آن به صورت نیمه وقت یا تمام وقت مشغول به کارند (شکور، ۱۳۸۰، ۵).

## ۲-۱- هدف تحقیق

هدف تحقیق، آزمایش فرضیه های ارائه شده برای بهبود وضعیت زنان روستایی است. این آزمایش بر اساس سنجش نقش آنان در فعالیت های مربوطه است. در نتیجه، تمام سعی و تلاش بر این است که کلیه نقش های آنان در فعالیت های مربوطه مورد سنجش قرار گیرد. پژوهش برای به تصویر کشاندن و ارزیابی فرضیه ها در جستجوی سوال های زیر است:

- ۱- میزان نقش و چگونگی تاثیر زنان روستایی در فعالیت های مربوطه به آنها چه اندازه است.
- ۲- پتانسیل های زنان روستایی در فرایند توسعه ی روستایی سنجیده شود.
- ۳- آیا می توان با وضع موجود نقاط قوت را تقویت کرده، نقاط ضعف را از بین برد.
- ۴- برای ایجاد تحول در وضعیت زنان روستایی و برنامه ریزی برای آنها چه راهکارها و روش هایی وجود دارد.

## ۳-۱- فرضیه های تحقیق

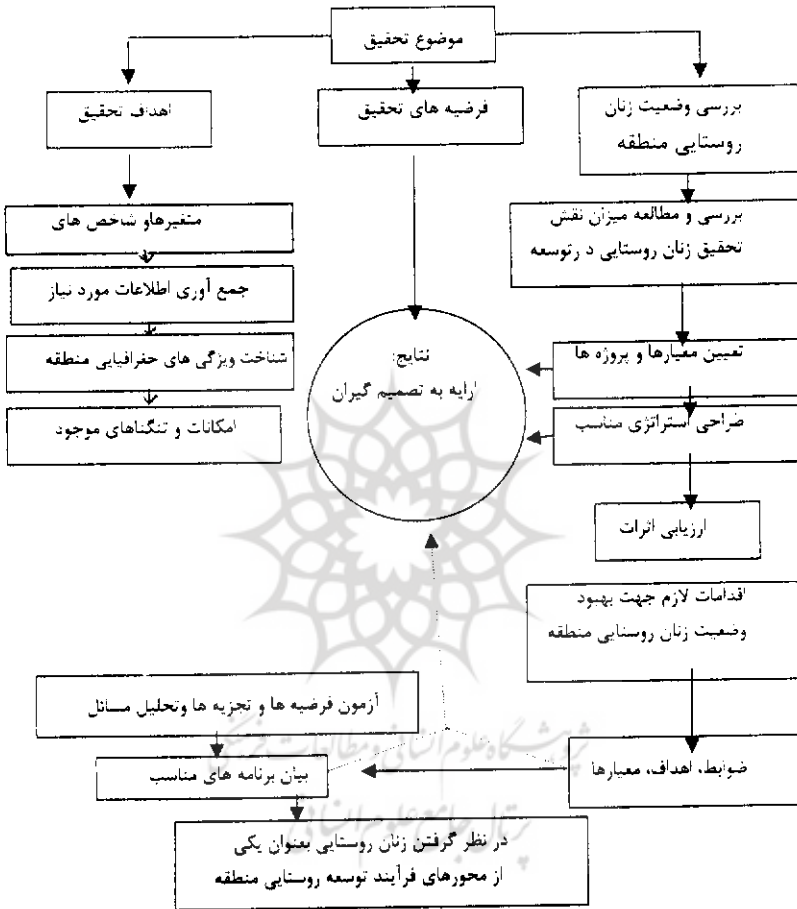
در ارتباط با زنان روستایی به عنوان نیرو های پنهان توسعه و ارائه پاسخ به سوال های طرح شده، فرضیه های زیر قابل طرح است.

- ۱- آیا زنان روستایی همراه و همگام با مردان می توانند در توسعه ی روستایی نقش داشته باشند؟
- ۲- آیا یک برنامه ریزی جامع و هماهنگ با شرایط جغرافیایی منطقه برای زنان می تواند در فرایند توسعه ی روستایی موثر واقع شده، مشکلات روستائیان را کاهش دهد؟
- ۳- آیا امکان ایجاد صنایع مرتبط با اشتغال زنان در منطقه وجود دارد؟

## ۴-۱- روش تحقیق:

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش تحقیق پیمایشی (Survey Research) می باشد که از تکنیک های مصاحبه ( تکمیل پرسشنامه و مشاهده ) استفاده گردید. یکی از روستاهای منطقه به عنوان نمونه انتخاب و سپس به وسیله ی پرسشنامه و مصاحبه زنان روستایی مورد بررسی قرار گرفتند. شمای گردشی فرایند تحقیق در دیاگرام شماره ۴-۱ نشان داده شده





شکل شماره ۴-۱ دیاگرام فرایند تحقیق

## ۲- مشخصات جغرافیایی ناحیه ی مورد مطالعه

شهرستان داراب در جنوب شرقی استان فارس، در منتهی الیه جنوب شرقی زاگرس در حوضه ی آبریز جنوبی این رشته کوه ها واقع شده است. از غرب به شهرستان «فسا» از شرق به استان «هرمزگان» از شمال به «نی ریز» و «استهبان» و از جنوب به شهرستان «زرین دشت» منتهی می گردد (شکور، ۱۳۷۹، ۱۰). به علت واقع شدن بر سر راه ارتباطی فارس-هرمزگان و همجواری با استان «کرمان» موقعیت منحصر به فردی در بین شهرستان های استان «فارس» دارد. این شهرستان با ۶۵۴۰ کیلومتر مربع وسعت، دارای ۳ بخش، ۱ نقطه شهری، ۱۲ دهستان و ۲۹۷ آبادی دارای سکنه روستایی است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی فارس، ۱۳۷۹، ۵۱). مرکز این شهرستان شهر داراب است که در فاصله ی ۲۳۰ کیلومتری جنوب شرقی استان «فارس» قرار دارد. جمعیت شهرستان طبق سرشماری سال ۱۳۷۹، ۱۵۴۸۷۶ نفر می باشد که از این تعداد ۷۷۹۶۸ مرد و بقیه را زنان تشکیل می دهند. از کل جمعیت منطقه ۹۳۵۵۸ نفر در مناطق روستایی زندگی می کنند که ۴۶۵۹۴ را زنان روستایی تشکیل می دهند. میزان متوسط بارندگی طبق آمارهای ۳۰ ساله هواشناسی، ۲۵۰ میلی متر گزارش شده است. در داراب شرایط آب و هوایی گرم و خشک و نیمه خشک حاکم است. دمای هوا در طول سال از ۲/۶ تا ۴۶/۳ درجه سانتی گراد، متغیر است. فعالیت غالب شهرستان، کشاورزی است و مبنای آن به ترتیب اولویت شامل زراعت (گندم، پنبه، ذرت) و باغداری (مرکبات و باغداری دیم شامل بادام، گردو، انگور، انجیر، گل سرخ و غیره در مناطق کوهستانی) و دامداری (گوسفند و بز) می باشد. روستای مورد مطالعه در دهستان «هشیوار»<sup>۱</sup> واقع شده، «جمسی»<sup>۲</sup> نام دارد و در ۵ کیلومتری جنوب داراب واقع شده، ارتفاع متوسط آن ۱۱۵۰ متر از سطح دریا می باشد. اراضی کشاورزی روستا حدود ۱۲۰۰ هکتار است. و فعالیت غالب آن کشاورزی شامل زراعت گندم، پنبه، و ذرت می باشد. در روستای مزبور ۴۱۱



خانوار زندگی می کنند جمعیت روستا ۲۳۱۹ نفر می باشد که ۱۰۹۹ نفر را زنان و بقیه را مردان تشکیل می دهند. جمعیت فعال روستا ۲/۵۵٪ از کل جمعیت را تشکیل می دهند که شامل ۱۲۸۰ نفر است که ۶۰۱ نفر آنها را زنان تشکیل می دهند.

### ۳- نیروی انسانی ناحیه مورد مطالعه

از آن جا که محور موضوع تحقیق را زنان روستایی تشکیل می دهند، لازم است ضمن بحث درباره ی نیروی انسانی، ویژگی های سنی و جنسی و فعالیت زنان روستایی را مورد بررسی قرار دهیم.

چنانچه می دانیم، تولید با اتکاء به دو منبع سرمایه ای صورت می گیرد یکی سرمایه ی فیزیکی و دیگری سرمایه ی انسانی و یا به عبارت دیگر منابع انسانی یا نیروی انسانی که دارای دو بعد کمی و کیفی می باشد. به این ترتیب باید متذکر شد که منابع انسانی شامل کلیه منابع، غیر از منابع مادی است (آسایش، ۱۳۷۶، ۱۶۳). از طرف دیگر مطالعات موجود نشان می دهد کمتر از ۵۰ درصد رشد اقتصادی حاصل عوامل اصلی تولید (کار، سرمایه، زمین) و مابقی مربوط به یک عامل ناشناخته که همان نیروی انسانی است می باشد. جمعیت روستای جمسی در سال ۱۳۳۵، ۶۴۰ نفر بوده است. این تعداد در سال های ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۷۵ به ترتیب به ۸۶۹، ۱۰۳۰، ۱۳۴۷ و ۲۰۶۱ نفر افزایش یافته است. بعد و اندازه ی خانوار در سال های ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۷۵، برابر ۴/۱، ۵، ۴/۷، ۵ و نفر بوده و نرخ رشد جمعیت روستا در دهه های ۵۵-۴۵ برابر ۱/۷، ۶۵-۵۵ برابر ۲/۷، ۷۵-۶۵ برابر ۴/۳ تعیین شده است.

جدول شماره ۱-۳- مقایسه شاخص های جمعیت در روستای جمعی و دیگر نقاط جمعیتی ۱۳۷۵

جمعیت فعال			جمعیت ۶ ساله و بیشتر			جمعیت			خانوار	شرح
بیکار	شاغل	کل	جمعیت ده ساله و بیشتر	باسواد	کل	زن	مرد	کل		
۴۴۷۲۷	۳۳۳۸۶۲	۴۰۸۵۹۹	۱۱۳۵۲۱۸	۱۰۱۲۲۹۹	۱۳۴۰۹۶۷	۷۷۲۳۸۹	۷۹۰۰۸۵۶	۱۵۶۳۵۴۵	۲۹۰۰۴۸	نقاط روستایی استان فارس
۴۰۹۸	۲۶۷۰۲	۳۰۸۰۰	۹۲۵۰۳	۸۰۴۲۶	۱۱۱۲۲۶	۶۶۲۰۴	۶۶۴۵۱	۱۳۲۶۵۵	۲۳۷۱۷	نقاط روستایی شهرستان داراب
۰	۵۰۳	۵۰۳	۱۳۹۳	۱۰۳۴	۱۶۸۱	۹۷۱	۱۰۹۰	۲۰۶۱	۴۱۱	روستای جمعی

محاسبه بر اساس آمارهای جمعیتی سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۵

پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۲-۳ آمار جمعیتی روستای جمسی به تفکیک گروه های سنی جنسی ۱۳۸۱

نسبت جنسی	درصد	کل	زن	مرد	گروه سنی
		۲۷۵	۱۳۹	۱۳۶	۰-۴
۱۱۰/۷	۴۰/۵	۲۴۸	۱۲۲	۱۲۲	۵-۹
		۳۸۱	۱۸۵	۱۹۶	۱۰-۱۴
		۲۹۳	۱۳۸	۱۵۵	۱۵-۱۹
۱۱۲/۹	۵۵/۲	۲۱۵	۹۲	۱۰۴	۲۰-۲۴
		۲۹۶	۷۱	۸۷	۲۵-۲۹
		۱۵۸	۵۹	۴۴	۳۰-۳۴
		۱۰۳	۴۳	۳۹	۳۵-۳۹
		۹۲	۴۳	۴۹	۴۰-۴۴
		۸۲	۴۳	۳۹	۴۵-۴۹
		۷۱	۲۶	۴۵	۵۰-۵۴
		۲۹	۱۴	۱۵	۵۵-۵۹
		۴۱	۱۵	۲۶	۶۰-۶۴
		۹۰/۳	۴/۳	۴۵	۲۴
۳۷	۱۹			۱۸	۷۰-۷۴
۱۶	۸			۸	۷۵-۷۹
—	—			—	۸۰-۸۴
۱	۱			—	۸۵
۱۱۱	۱۰۰	۲۳۱۹	۱۰۹۹	۱۲۲۰	کل

محاسبه بررسی اطلاعات خانه بهداشت روستای جمسی

چنانچه از جدول شماره ۲-۳ مستفاد می گردد، نسبت جنسی بین سنین ۱۴ سال برابر ۱۱۰/۷ می باشد که ۴۰/۵ درصد از جمعیت را شامل می گردد. این نسبت برای سنین ۶۴-۱۵ برابر ۱۱۲/۹ است که ۵۵/۲ درصد را شامل می گردد.

### ۱-۳- بررسی وضعیت فعالیت عمومی

یکی از شاخص های مهم جمعیت و مسائل نیروی انسانی ، فعالیت و اشتغال است. جمعیت فعال<sup>۱</sup> بنا بر تعریف، مرکب از افرادی است متشکل از زنان و مردان که نیروی آماده ای را برای تولید کالاها و خدمات تشکیل می دهند. به عبارت دیگر افرادی از جمعیت اند که در سن قانونی بین ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند (مومنی ، ۱۳۷۶ ، ۳۹). شاخص مهم در مطالعات مربوط به فعالیت میزان فعالیت عمومی است که از رابطه زیر به دست می آید :

$$G.A.R = \frac{Pa (15-64)}{P} * 1000$$

معادله فعالیت عمومی برای روستای جمسی عبارتست از:

$$G.A.R = \frac{1280}{2319} * 1000 = 552$$

بر این اساس میزان فعالیت عمومی ۵۵۲ در هزار می باشد که تقریباً نیمی از آن را زنان تشکیل می دهند.

## 1.Active population

فعالیت غالب روستا، کشاورزی است که در قالب زراعت گندم، پنبه و ذرت دانه ای انجام می گیرد. سطح کل اراض کشاورزی ۱۲۰۰ هکتار است که ۱۵/۷ درصد از کل اراضی زراعتی دهستان هشیوار را تشکیل می دهد. قریب به ۶۰۰ هکتار از اراضی روستا (معادل ۶۰ درصد) زیر کشت غلات و حدود ۳۵۰ هکتار معادل ۳۵ درصد زیر کشت پنبه قرار دارد. بدین ترتیب چنانچه محاسبه شده است چرخه ی اقتصاد روستا به وسیله تولید غلات و در درجه ی دوم پنبه به گردش در می آید. توزیع شاغلان در روستا نشان می دهد که در وضع موجود ۷۵٪ در بخش کشاورزی مشغول به کار می باشند. از طرف دیگر روستا با فعالیت غالب کشاورزی توانسته است بخش اعظم جمعیت فعال ساکن در روستا در خود جذب نماید.

#### ۴- نقش همه جانبه ی زنان روستایی:

از آنجا که رایج ترین و ابتدایی ترین رابطه انسان با محیط طبیعی در قالب فعالیت های کشاورزی شکل می گیرد. زنان روستایی نیز دوشادوش مردان همیشه برای تامین معاش خود دست به فعالیت های کشاورزی زده اند و در کنار کشاورزی، دامپروری و تولید صنایع دستی، انجام وظایف خانه داری به عهده آنها بوده است (سازمان محیط زیست، ۱۳۷۸، ۶۱).

#### ۴-۱- نقش های اقتصادی

##### ۴-۱-۱- نقش زنان روستایی در تولید محصولات کشاورزی

درخصوص سهم زنان در فعالیت های کشاورزی، برخی آمارها حاکی از این است که این گروه به میزان ۶۰ درصد در زراعت برنج، ۹۰ درصد در تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد در زراعت پنبه و دانه های روغنی و ۳۰ درصد در امور برداشت باغات مشارکت دارند (لهسایی زاده، ۱۳۷۴، ۵). جدول شماره ۱-۴ متوسط سهم زنان روستایی در مراحل مختلف فعالیت های کشاورزی را نشان می دهد.

جدول شماره ۱-۴ میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت های کشاورزی

مراحل تولید	کاشت	داشت	برداشت
متوسط سهم زنان روستایی	۲۲ درصد	۲۵ درصد	۲۶/۴٪

ماخذ: نقش اجتماعی اقتصادی زنان روستایی در تولید. مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۷۰).

لازم به ذکر است که میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت های کشاورزی نقاط مختلف کشور بخصوصیات فرهنگی مناطق، نوع نظام بهره برداری از اراضی، ترکیب اعضای خانوار، نوع فعالیت کشاورزی و خصوصیات جغرافیایی منطقه، بستگی دارد. شهرستان داراب ۱۰۷۰۰۰ هکتار اراضی قابل کشت دارد و فعالیت غالب روستاییان کشاورزی و باغداری است و ۷۵٪ جمعیت روستایی منطقه در بخش کشاورزی و فعالیت های وابسته به آن اشتغال دارند. جهت شناخت اهمیت موضوع و نقش زنان روستایی در آن به جدول شماره ۲-۴ توجه نمایید.

جدول شماره ۲-۴ سطح زیر کشت و میزان تولید محصولات داراب و مقایسه آن با استان

نوع محصول	گروه عمده	سطح زیر کشت (هکتار)	درصد	نسبت زیر کشت شهرستان به استان	رتبه محصول در استان	میزان تولید به تن
گندم و جو	غلات	۷۱۰۰۰	۶۰/۲	۳۵	۳	۱۳۰۰۰۰
پرنغال	مرکبات	۵۶۰۰	۵	۳۹/۱	۱	۸۸۴۰۰
پنبه و ش	گیاهان صنعتی	۶۸۴۲	۶	۳۴	۱	۱۷۱۰۵
ذرت دانه ای	دانه های روغنی	۱۱۰۰۰	۹/۶	۱۹/۹	۲	۷۷۰۰۰
سایر محصولات	—	۱۹۸۰۶	۱۷/۲	۸/۳	—	—

ماخذ: محاسبه بر اساس آمار استان فارس ۱۳۸۰.

همانطور که گفته شده، ۷۰٪ جمعیت روستایی منطقه در فعالیت های کشاورزی اشتغال دارند. اگر فقط اگر از این تعداد ۲۰٪ را زنان روستایی فرض کنیم که در زراعت و باغداری فعالیت داشته باشند، به اهمیت و نقش زنان روستایی در تولید کشاورزی منطقه بیشتر پی خواهیم برد.

#### ۲-۱-۴- نقش زنان روستایی در دامداری

در مورد نوع فعالیت زنان روستایی در مراحل مختلف پرورش دام، می توان گفت این گروه، در تمام مراحل پرورش دام نقش عمده دارند و نوع فعالیت آنان بستگی به نوع دام های پرورشی و نوع مستقیم کار جنسیتی در هر منطقه روستایی دارد (آسایش، ۱۳۷۶، ۴۳). به هر حال بدیهی است که فعالیت زنان روستایی در مراحل مختلف پرورش دام، دارای تاثیر مثبت بر درآمد خانوار دارد و صرفه جویی در هزینه های استخدام کارگر را نیز به دنبال دارد.

از طرف دیگر به دلیل این که شالوده ی نظام اقتصادی برخی روستاها بر مبنای دامداری است و قسمت اعظم تولیدات دامداران روستایی را فرآورده های لبنی تشکیل می دهد، در این

فعالیت‌ها زنان نقش اصلی را به عهده دارند. جدول شماره ۳-۴ نوع فعالیت زنان روستایی را در مراحل پرورش دام نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳-۴- نوع فعالیت زنان روستایی در پرورش دام

نوع دام	نوع فعالیت زنان روستایی	نوع دام	نوع فعالیت زنان روستایی
گاو گوسفند بز	کمک به ایجاد واحد دامداری نظافت اصطبل با آغل حمل علوفه شیردوشی بچه‌گیری- زایمان شستشو- بشم‌چینی تهیه و فروش فراورده‌های لبنی	کرم ابریشم	تهیه ی تخم نوغان برگ‌چینی و تغذیه لاروها تعویض سرشاخه‌ها و برگ‌های توت مواظبت از لاروها فروش پيله جمع‌آوری پيله
طیور	ایجاد مرغداری ضدعفونی لانه و نظافت تغذیه و واکسیناسیون جمع‌آوری تخم طیور جوجه‌کشی فروش	زنبور عسل	ضدعفونی کندوها استخراج عسل بسته‌بندی عسل عرضه عسل به بازار پرورش ملکه

ماخذ: نقش اجتماعی- اقتصادی زنان روستایی در تولید مرکز تحقیقات روستای در تولید. مرکز تحقیقات روستایی اقتصادی کشاورزی (۱۳۷۰).



## ۳-۱-۴- نقش زنان روستایی در تولید صنایع دستی

طبق اطلاعات موجود، ۷۵ درصد از تولید صنایع دستی کشور ما در انحصار زنان است. به طور کلی از نظر اقتصادی، کار در زمینه ی صنایع دستی نیاز به سرمایه گذاری زیادی ندارد و هر خانوار روستایی می تواند به کار در زمینه های مختلف صنایع دستی بپردازد. زیرا زنان روستایی بیشتر از مردان می توانند جذب بازار کار در بخش صنایع دستی شوند. این رشته دارای ویژگی های «خانگی بودن» است و می تواند تا حد زیادی میل و رغبت زنان روستایی را برای ابتکار بر انگیزد. نتیجه این که خود اشتغالی زنان روستایی، از طریق گسترش و توسعه ی صنایع دستی در روستاها قادر است تا حد زیادی نقش زنان را در محدوده های جغرافیایی ارتقاء داده، شرایط نسبتاً مناسبی را از لحاظ اجتماعی برای آنان فراهم نماید (شکور، ۱۳۷۸، ۷۵).

## ۵- نقش های اجتماعی و فرهنگی

## ۱-۵ نقش زنان روستایی در آموزش و پرورش:

یکی از تفاوت های اساسی میان جوامع شهری و روستایی، میزان باسوادی و بی سوادی زنان است. در روستاها گاهی تا ۹۸ درصد زنان روستایی از خواندن و نوشتن محرومند. ولی این محرومیت به خاطر بی استعدادی زنان روستایی نیست، بلکه علل و عوامل دیگر دارد. پایین بودن سن ازدواج دختران، نبودن امکانات و فقر روستایی باعث هر گونه عدم تعادل و نابرابری می شود. زنان روستایی که خود در بعضی مواقع سرپرست خانواده نیز می باشند، نقش مهمی در بالا بردن سواد افراد خانواده ها ایفا می نمایند. دراهمیت نقش زنان روستایی در آموزش و پرورش همین نکته کافی است که هیچ زن روستایی پیدا نمی شود که اظهار نماید مایل نیست باسواد شود و حتی حاضر است تمام تلاش خود را برای باسواد کردن خود و فرزندش بکار گیرد (آفاری ۱۹۹۶، ۳۰).

## ۶- یافته های تحقیق:

چنانکه گفته شد، زنان روستایی در تمام مراحل تولیدی روستا مشارکت دارند: کشاورزی (کاشت، داشت، برداشت)، دامداری، تمام مراحل امور مربوط به دام و صنایع دستی که ۷۵٪ در انحصار آنهاست. در روستاهای مورد مطالعه از ۲۳۱۹ نفر جمعیت، ۱۰۹۹ نفر را زنان و بقیه ی مردان تشکیل می دهند. و تعداد جمعیت فعال زنان ۵۵۲ نفر بوده است. این تعداد نقش مهمی در تولید کشاورزی روستا دارند. اطلاعاتی که از پرسشنامه استخراج گردید، حاکی است که زنان روستایی نقش برجسته ای در اقتصاد خانوار ایفا می کنند و از منابع مهم توسعه ی روستایی به حساب می آیند و با توجه به این که زنان روستایی مورد مطالعه که حدود نیمی از جمعیت روستا را تشکیل می دهند و اکثر آنها به طور تمام وقت و یا نیمه وقت به کارهای تولیدی مشغول هستند، در تعریف مرکز آمار ایران شاغل محسوب نمی شوند و در آمارها به شمارش در نمی آیند. بنابراین باید توجه نمود که اگر مشکلاتی که بر سر راه زنان روستایی است برطرف نشود حتی نیم نگاهی هم نمی توان برای توسعه ی وضعیت آنها انتظار داشت. از پرسشنامه های تکمیل شده استنباط گردید که تقریباً نیمی از زنان روستایی بی سواد هستند و علی رغم سهم بالای خود در امر تولید، در قبال کار خود مزد واقعی دریافت نمی کنند، از طرف دیگر اشتغال آنها در بخش های مختلف، جدا از پیشرفت تکنولوژی در فعالیت های کشاورزی و دامداری است. نکته قابل توجه این که معدل کار روزانه یک زن روستایی ۱۴ ساعت است. از آمارها و ارقام به دست آمده، مشخص شد که حتی میزان مرگ و میر در بین زنان روستایی به دلیل سختی کار، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی، و غیره بالاست. همچنین از اطلاعات به دست آمده مشخص شده است که ۹۵٪ از زنان روستایی استقلال اقتصادی ندارند و به تنهایی و به طور مستقل عمل نمی کنند و به نظام های حاکم بر روستا و سایر اعضای خانواده خود وابسته اند.

با توجه به مصاحبه و ارزیابی پرسشنامه، زنان روستایی منطقه با توجه به فعالیت های کشاورزی به اشتغال در مزارع و باغات روی می آورند و درآمد بسیار قابل توجهی دریافت

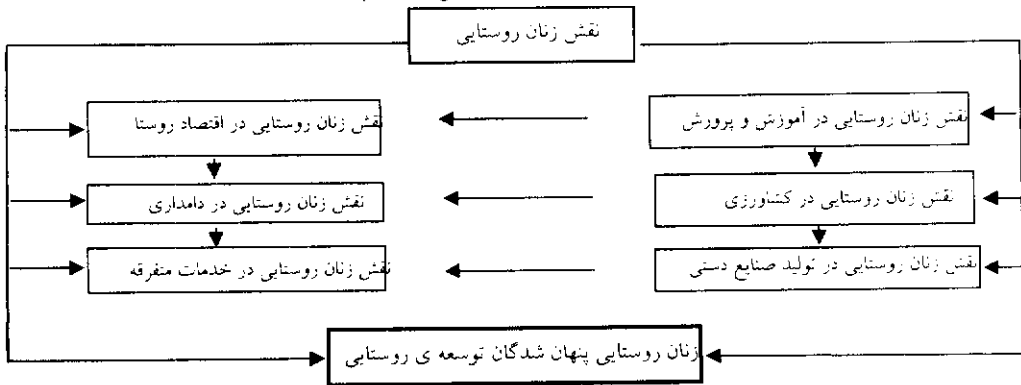
داشت، برداشت، مشغول کار می باشند. در مزارع پنبه زنان روستا از ابتدای خرداد ماه مشغول و جین مزارع می باشند. سپس از اوایل آبان ماه که زمان برداشت است، تمام محصول پنبه به وسیله ی زنان برداشت می شود. در مزارع ذرت و محصولات صیفی نیز چنین است. در مزارع گندم نیز به جز کارهای مربوط به آبیاری، تقریباً در تمامی موارد مشارکت دارند. از طرف دیگر در روستاهایی که فعالیت عمده باغداری است، زنان در باغ ها به فعالیت مشغولند و در زمان برداشت مرکبات که از اوایل مهرماه شروع و تا اردیبهشت ادامه دارد، مشارکت دارند. در بخش های شمالی داراب که باغداری دیم رواج دارد، زنان روستایی نیز نقش بسیار زیادی در انجام کارهای مربوطه دارند.

#### ۷-آزمون فرضیه ها، نتیجه گیری و پیشنهادات:

تحقیق حاضر در راستای تبیین اثبات یا عدم اثبات، سه فرضیه را دنبال نموده است. با توجه به تعیین نقش زنان روستایی در کلیه مراحل تولید روستا و تجزیه و تحلیل های انجام شده، پاسخ هایی مطرح شده است، اگر توسعه را تغییری تدریجی بدانیم که در نهایت به بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی کلیه مردم منجر شود، ذکر این نکته ضروری است که در توسعه ی انسان ها نقش اساسی دارند. زیرا توسعه در سطح خرد و کلان اهدافی را دنبال می نماید و حتی در سطح خرد و سطوح محلی و خانواده را شامل می گردد که زنان در آن نقش اساسی دارند. در تحقیق حاضر با توجه به رویکرد فقر زدایی به زنان روستایی، آنها را به عنوان بهره بردار دومین تولید کننده درآمد نقدی خانوار معرفی می نمود. زیرا گرایش هایی که در زنان روستایی وجود دارد، تامین برنامه های آموزشی و آموزشی برای ارائه مهارت های مورد نیاز بازار به زنان است و آنان را قادر می سازد حتی در بازار کار با مردان به رقابت برخیزند این امر هر گونه مشارکت زنان را به دنبال دارد.

از طرف دیگر نظر به این که شهرستان داراب ناحیه ای کشاورزی است و محصولات عمده آن در استان فارس، رتبه اول تا سوم را داراست ( گندم، پنبه، ذرت، مرکبات) و همچنین به دلیل اینکه وضعیت جغرافیایی منطقه، طوری است که می تواند انواع دام را در خود پرورش دهد، تعداد ۱۲۰۰۰۰۰ راس دام بر روی مراتع چرا می کنند لذا می توان یک برنامه ریزی جامع و هماهنگ با شرایط جغرافیایی را برای زنان روستایی منطقه تبیین نمود و از این طریق بسیاری از مشکلات روستاییان کاهش داد. همچنین به دلیل تولیدات کشاورزی و دامی منطقه که مازاد نیاز جمعیت شهرستان است، می توان صنایع مرتبط با ایجاد اشتغال زنان را در منطقه به وجود آورد. هم اکنون یکی از بهترین راهکارها برای ایجاد فرصت های شغلی برای زنان روستایی منطقه، ایجاد صنایع تبدیلی کشاورزی است، زیرا به نظر می رسد که این صنایع باعث ایجاد ارزش افزوده می شود و از فاسد شدن و یا از بین رفتن محصولات روستاییان جلوگیری می کند، مانند صنایع محصولات غذایی و صنایعی که ماده اولیه آن تولیدات باغی منطقه است از قبیل مرکبات، نخیلات و دیگر صنایع مربوط در بخش زراعت و باغداری (شکور، ۱۳۸۲، ۲۲۴). نمودار شماره ۱-۷ نقش زنان روستایی در فرایند توسعه ی روستا بازگو کرده و می توان به نقش همه جانبه زنان روستایی در فعالیت های اقتصادی پی برد و پذیرفت که واقعاً زنان روستایی شاغلان پنهان توسعه ی روستایی اند.

نمودار شماره ۱-۷ زنان روستایی شاغلان پنهان



از مباحث انجام شده چنین نتیجه می شود که زنان روستایی، نقش ارزنده ای در روند توسعه ایفا می کنند. آنها علاوه بر این که در تمام مراحل فعالیت های تولیدی نقش دارند، به اداره ی منزل و تربیت و نگهداری فرزندان نیز می پردازند. بنابراین جدی نگرفتن زنان روستایی در عرصه ی فعالیت های اقتصادی و اجتماعی به هیچ وجه قابل جبران نخواهد بود. لذا با توجه به مسائل زنان، سرمایه گذاری در جهت بهبود وضعیت آنان به لحاظ این که این بهبود به طور مستقیم به نسل های بعدی منتقل می شود، نقش بسیار موثر و سریع در تحقق توسعه ی روستایی دارد. از طرف دیگر (F.A.O) معتقد است که اگر یک مرد را آموزش دهیم، یک انسان را آموزش داده ایم، اما اگر زن آموزش داده شود یک خانواده را آموزش داده ایم، وقتی یک خانواده آموزش ببیند، برای آینده سرمایه گذاری کرده ایم.

نقش زنان در خانواده روستاییان چنان تعریف شده است که می توان گفت آنها به عنوان نیروی انسانی پنهان در فرایند تولید روستایی، حضور دارند، به طوری که آنها حتی توسط روستاییان و همسرانشان هم دیده نمی شوند و فقط افراد صاحب نظر در مسایل روستایی هستند که می توانند زوایای پنهان این پدیده را مشاهده کنند و آشکار سازند (سام آرام، ۱۳۸۰، ۱۴۶).

پنهان بودن نقش زنان روستایی در اقتصاد کشاورزی احتمالاً به این دلیل است که بخش عمده‌ی محصولات را که آنان تولید می‌کنند، معمولاً در سطح خانوارهای روستایی مصرف می‌شود و دیگر اینکه در فرایند تولید به عنوان جبران‌کننده‌ی کمبودهای نیروی کار مردان به حساب می‌آیند. به همین دلیل آنها نمی‌توانند به طور مستقل عمل کنند (وثوقی، ۱۳۶۶، ۷۶). در فرایند توسعه، وضعیت زنان روستایی در دورانی که روستا با تغییر و تحول در نظام کشاورزی روبه‌روست، و در شرایطی که روستا از خود کفایی خارج شده، تولید کشاورزی در رابطه با بازار فروش و استفاده از اعتبار و روش‌های جدید مطرح می‌شود و موفقیت اقتصاد کشاورزی جدید و نیازمند مهارت‌های جدید، اطلاعات به روز و ارتباطات خاص یا منابع خارجی از روستاست که عمدتاً در اختیار مردان روستایی است. لذا بدون توجه به نقش زنان روستایی در فرایند توسعه‌ی روستا، نمی‌توانیم به توسعه‌ی ملی در سطح کلان دست یابیم و ریشه‌یابی این مسأله را می‌توان از ضروریات توسعه در کل کشور دانست. در تحقیق حاضر مشخص شد چنانچه در برنامه‌های فعالیت زنان روستایی منطقه اقداماتی از طرف برنامه‌ریزان دولتی با دیگر مراجع حمایت از زنان روستایی انجام نشود، بی‌ثباتی خانواده روستایی را به دنبال خواهد داشت. در هر صورت جهت حمایت از زنان روستایی و برنامه‌ریزی برای آنها و تعمیم آن به دیگر نواحی روستایی کشور، پیشنهادهای زیر مطرح می‌گردد.

- ۱- انجام پژوهش‌های مختلف در مناطق جغرافیایی کشور برای کسب شناخت وضعیت زنان روستایی.
- ۲- انجام پژوهش و ارزشیابی لازم برای ایجاد تعاونی‌ها برای زنان روستایی منطقه.
- ۳- برگزاری دوره‌ها و کلاس‌های ترویجی و مدیریتی برای دختران و زنان باسواد روستایی منطقه و سپس استفاده از آنها به عنوان مروج در امور مربوط به زنان روستایی.
- ۴- ایجاد و راه‌اندازی یک نظام برنامه‌ریزی مشاوره، حمایت، ارزیابی، پیگیری برای زنان کشاورز توسط آنان در منطقه.

- ۵- برنامه ریزی اصولی برای از بین بردن بی سوادى روستاها بویژه برنامه های اساسی برای دختران جوان روستایی.
- ۶- برنامه ریزی اصولی به منظور ایفای نقش تعیین کننده تربیتی زنان در تمامی امور فرهنگی و اجتماعی.
- ۷- فراهم آوردن زمینه های لازم برای حضور مشارکتی زنان و دختران جوان در عرصه ها و تشکل های دولتی و غیر دولتی.
- ۸- تدوین برنامه ها و سیاست های اصولی برای عملی کردن مدیریت منزل و بالا بردن فرهنگ زنان خانه دار و بهره وری بهینه از توان بالقوه ی آنها.
- ۹- برنامه ریزی جهت اشتغال زنان متکفل خانواده های بدون سرپرست.
- ۱۰- تخصیص بودجه ی کافی برای توسعه ی اجتماعی و فرهنگی زنان در مناطق محروم.
- ۱۱- برنامه ریزی برای تضمین دستیابی به بهداشت مناطق روستایی جهت سلامت خانواده.
- ۱۲- فراهم ساختن امکانات جهت اوقات فراغت زنان روستایی.
- ۱۳- برنامه ریزی برای توسعه ی سازمان های غیر دولتی زنان و تشکیل انجمن های صنفی ویژه بانوان مناطق روستایی.
- ۱۴- برنامه ریزی برای توسعه ی مراکز خود اشتغالی زنان روستایی.
- ۱۵- ایجاد تشکل های زنانه هر چند غیر رسمی در سطح روستاها.
- ۱۶- قرار دادن زنان در فرآیند توسعه ی روستایی با فراهم آوردن زمینه های ایجاد مشارکت برای آنها.
- ۱۷- دسترسی به بازار ها و خدمات به طور مستقیم برای زنان روستایی.
- ۱۸- گسترش و توسعه ی فعالیت های روستایی غیر زراعی (خارج از مزرعه).
- ۱۹- فراهم آوردن امکانات آشنایی زنان روستایی با پیشرفت های زنان روستایی سایر مناطق.
- ۲۰- ایجاد آموزش های لازم برای مقابله با انواع راه های مبارزه با آلودگی های زیست محیطی.

- ۲۱- توسعه ی فضای اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی به عنوان وسیله ای برای پیشرفت زنان در سطوح ملی.
- ۲۲- ایجاد طرح های آموزشی برای افزایش سطح آگاهی های زنان روستایی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی.
- ۲۳- ایجاد زمینه های لازم برای تسهیل و دسترسی روستایی به عوامل تولید چون، زمین، آب و غیره و مشارکت بیشتر آنان در تصمیم گیری و مدیریت خانوار.
- ۲۴- انتخاب زنان روستایی نمونه و معرفی آنها در جوامع دیگر.
- ۲۵- تدوین قوانین حمایت از زنان در تمام ابعاد.

#### ۸- پیشنهاد برای مطالعات بعدی:

در تحقیق حاضر به چگونگی نقش زنان روستایی پرداخته شد، سپس طرح های مختلفی که در نواحی روستایی باید اجرا گردد تا زنان روستایی به اهدافی دست پیدا کنند و زمینه ی توسعه ی روستایی را فراهم آورند، اشاره گردید از آنجا که تحقیقات و پژوهش ها همیشه باید نوبده و دنباله دار باشد و دنباله رو داشته باشد و لذا برای محققان بعدی پیشنهاد می گردد که چگونگی راه و روش ایجاد طرح ها را مطالعه نمایند.



## منابع

- ۱- آسایش، ح. (۱۳۷۶)، "اقتصاد روستایی"، انتشارات پیام نور
- ۲- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی داراب، (۱۳۷۸)، "طرح هادی روستای جمسی".
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه ریزی فارس، (۱۳۷۹)، "آمار نامه استان فارس".
- ۴- سازمان محیط زیست، گروه تدوین، (۱۳۷۸)، "زن و توسعه ی پایدار".
- ۵- سام آرام، ع. (۱۳۸۰)، "اجتماعی شدن مجدد زنان روستایی در فرایند توسعه ی اقتصادی"، فصل نامه رایحه، شماره ۵.
- ۶- شکور، ع. (۱۳۸۰)، "مقدمه ای بر جغرافیای اقتصادی داراب"، انتشارات راهگشا.
- ۷- شکور، ع. (۱۳۷۹)، "جغرافیای داراب"، انتشارات زر.
- ۸- شکور، ع. (۱۳۸۰)، "دلایل اولویت بخشی به زنان روستایی"، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی (۲)، وزارت جهاد کشاورزی.
- ۹- شکور، ع. (۱۳۸۲)، "بررسی و نقش کشاورزی در توسعه ی روستایی شهرستان داراب از دیدگاه جغرافیا"، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۱۰- مومنی، م. (۱۳۷۶)، "جغرافیای انسانی (۱)"، انتشارات محتمم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

11-Afary,J, (1906) , "The Iranian Constitutional Revolution" New york, Columbia University Press,1996.

12- Alston,M.(1995), "Women and their Work on Australian",M(1995) Women and thir Work on Australion Farms, **Rural sociology** 60(3).

13- Deseran, F.A.and meller,R.S.(1991). 'Women's Off-farm Work and Gender Stratification", **Journal of Rural Studies**,7(1,2)

- 14-Saches, C. E.(1991), "Womens Wwork and Food",  
A Comparactive Rerspective, ***Jouranal of Rural studies***  
.7(1,2)  
15- [www.womeniniran.org](http://www.womeniniran.org)  
16- [www.naghed.net](http://www.naghed.net)

